فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/سال ششم/ شماره ۲۴ /زمستان ۹۳/صفحات ۷۸- ۵۹

بررسی تاثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت ها

سید کاظم ابراهیمی*
محمود پیوندی**
محمدرضا فخارمنش***

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۵

چکیده:

با توجه به اهمیت وظیفه حسابرسان در جهت اعتباردهی به صورت های مالی و اینکه ترکیب سهامداران از اصلی ترین عوامل داخلی نظام راهبری شرکت ها بوده، لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. با آزمون فرضیه‌های جداگانه پژوهش و با استفاده از رگرسیون چند متغیره به روش داده های ترکیبی برای ۶۹ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ مشخص گردید که مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی، تاثیر مثبت

* استادیار حسابداری، دانشگاه سمنان، گروه حسابداری، سمنان، ایران
Email: kebrahimi@semnan.ac.ir
** مربی حسابداری، دانشگاه سمنان، گروه حسابداری، سمنان، ایران .
Email: peyvandi_mahmood@yahoo.com
*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سمنان، گروه حسابداری، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mfakhar1369@yahoo.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

معناداری بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی با صدور اظهارنظر مشروط حسابرسی دارای رابطه منفی معناداری می باشد. و بین مالکیت مدیریت با حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر مشروط حسابرسان رابطه معناداری مشاهده نگردید.

واژه های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل، مالکیت سهامداران نهادی، مالکیت مدیریت

۱- مقدمه

بر اساس تئوری نمایندگی، اندازه تقاضا برای خدمات حسابرسی وابسته به میزان تمرکز مالکیت در شرکت می باشد. بر این اساس یک شرکت با مالکیت متنوع، به حسابرسان با مهارت بالا توسط گروه سهامداران نیاز دارد. مالکیت هم چون یک مکانیزم حاکمیت شرکتی بوده و سهامداران بزرگ نظارت فعال و تاثیر زیادی بر انتخاب سیاست های مدیریت و استراتژی های آنان برای ارائه اطلاعات صورت های مالی دارند. از آنجا که ساختار مالکیت از ساز و کارهای اصلی و از عوامل تعیین کننده داخلی نظام راهبری شرکت ها بوده و از طرفی دیگر، حسابرسی به عنوان حرفه ای مستقل، وظیفه خطیری در جهت اعتباردهی گزارش های مالی برای جامعه استفاده کنندگان اطلاعات مالی دارد، لذا اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه گذاری ها، بهبود کیفیت تصمیم گیری درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از داد و ستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه گذاری افراد و گروه های مختلف است. نظام مطلوب حاکمیت شرکتی موجب اطمینان خاطر جهت استفاده شرکت ها از دارایی های خود به نحو موثر شده، هم چنین منافع دامنه گسترده ای از ذینفع ها و جامعه ای که در آن فعالیت دارند را در نظر خواهد گرفت. بر اساس مباحث تئوریک در مورد صاحبکارانی که از رتبه حاکمیت شرکتی بالایی برخوردارند، می توان انتظار داشت که اطلاعات حسابداری تهیه شده توسط این شرکت ها از قابلیت اتکاء و اطمینان مطلوبی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، احتمال وقوع تقلب، تحریف و سایر انواع سوء جریان ها در صورت های مالی این شرکتها به حداقل رسیده و ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرسان مستقل برای آن ها معقول و منطقی به نظر می رسد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹).

بدون تردید حسابرسی فرآیند اطمینان بخشی درباره قابلیت اتکاء و مربوط بودن اطلاعات صورت های مالی است. وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران، اهمیت ویژه ای به حسابرسی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

برای رفع این تضاد می دهد. حسابرسی به عنوان یک مکانیزم کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می دهد که مدیران در اداره شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده اند یا خیر. از این رو کار حسابرسی اطمینان بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذینفعی است که با شرکت روبه رو هستند (والکر[1]، ۲۰۰۳).

فلسفه اصلی حسابرسی اعتبار بخشی به اطلاعات منعکس در صورت های مالی بوده، زیرا اطلاعات مزبور مبنای تصمیم گیری گروه های مختلفی نظیر سهامداران، سرمایه گذاران بالقوه، کارگزاران، تحلیل گران، مدیران، اعتبار دهندگان و دولت قرار می گیرد. بنابراین حسابرسی از دیدگاه کاربران مزبور به ویژه سهامداران، زمانی سودمند است که حسابرسان طی رسیدگی های خود به بررسی و ارزیابی برقراری تداوم فعالیت، عاری بودن صورت های مالی از اشتباه، تخلف، تقلب با اهمیت و اعمال غیر قانونی موثر بر فعالیت واحد مورد رسیدگی بپردازند و میزان موافقت خود را با رعایت موارد مزبور اعلام کنند؛ هر گاه میزان عدم رعایت به حد کافی مهم باشد، گزارش حسابرسی باید به صورت مشروط ارائه شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹).

۲- مبانی نظری

سرمایه گذاران نهادی با نظارت موثر و کنترل دقیق پرتفوی سرمایه گذاری خود، تمایل به دریافت اطلاعات بیش تری نسبت به سرمایه گذاران عمومی داشته و با افزایش مالکیت، خود را در امور شرکت بیش تر درگیر خواهند کرد، از طرف دیگر امکان دارد سرمایه گذاران نهادی به کیفیت اطلاعات در مقابل سود بیش تر نیاز داشته، به همین خاطر حسابرسان جهت انجام فعالیت حسابرسی در شکل موثر باید تلاش های خود را حداکثر و کیفیت اطلاعات را گواهی کنند. نقش سهامداران نهادی در حاکمیت شرکتی و حضور آن ها در شرکت ها، موضوع اغلب بحث های سال های اخیر بوده است؛ در این زمینه، دیدگاه سهامداران نهادی کوتاه مدت بر افزایش عایدات جاری سرمایه گذاران، در راستای انجام مدیریت سود تمرکز داشته و دیدگاه سهامداران نهادی بلند مدت به عنوان یک مکانیزم حاکمیت شرکتی بر کاهش انگیزه های مدیریت سود توسط سرمایه گذاران تاکید دارد. به همین دلیل در خصوص نقش سهامداران نهادی نظرات متفاوتی وجود دارد، به نظر بوش[2] (۲۰۰۰) سهامداران نهادی با توجه به هدف سودآوری، تمایل به کنترل شرکت نداشته، بلکه امین اعضای خود بوده و وظیفه آن ها سرمایه گذاری پول ذینفعان در سودآورترین فرصت ها می باشد. هم چنین سهامداران نهادی بیش تر بر روی عایدات جاری

[1].Walker
[2]. Bushee

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

تمرکز، و از درگیر شدن در مسائل کنترلی و پذیرفتن نقش فعال در حاکمیت شرکتی پرهیز می کنند. سرمایه گذاران نهادی تمایل زیادی به سودآوری کوتاه مدت داشته و مدیریت شرکت ها را برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت تحت فشار قرار می دهند، هر چند دستیابی به اهداف کوتاه مدت سودآوری موجب آسیب وارد شدن به ارزش حقوق سهامداران در بلند مدت می شود (چیراز[1] و همکاران، ۲۰۱۳). بر اساس نظریه جنسن و مک لینگ[2] (۱۹۷۶)، مالکیت مدیریتی مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران را به دلیل همسو کردن منافع مدیران و سهامداران، کاهش خواهد داد. به نظر می رسد این موضوع انگیزه ای است که مدیران را به سمت کنترل بهتر و رسیدن به عملکرد بهتر سوق می دهد. در تقسیم بندی ساختار سازمان ها، وجود مالکیت مدیریتی بالا، شکاف بین مالکیت و مدیریت را کاهش داده و عدم تقارن اطلاعاتی نسبت به سایر سازمان ها پایین تر خواهد بود. به علاوه مدیرانی که در شرکت تحت مدیریت خود سرمایه گذاری کرده اند؛ نسبت به سایر مدیران، از تصمیمات با ریسک بالا اجتناب می کنند؛ بنابراین کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش تصمیمات با ریسک پایین، نیاز هزینه های نظارتی (حق الزحمه حسابرسی) را کاهش می دهد.

تصور بر این است که سرمایه گذاران نهادی با توجه به رابطه امانتی بین آن ها و سرمایه گذاران خود، تمایل به نظارت دقیق شرکت داشته، هم چنین مالکان نهادی به گواهی اطلاعات با کیفیت توسط حسابرسان نیاز دارند. مدیران شرکت با توجه به موقعیت خود، بر تهیه اطلاعات مالی تاثیر گذار بوده و جهت کاهش ریسک ذاتی حسابرسی جهت منافع سایر سرمایه گذاران، حسابرسان تمایل به افزایش تلاش های خود در جهت کاهش ریسک حسابرسی و مشکلات نمایندگی خواهند داشت (رحمان خان[3] و همکاران، ۲۰۱۱). لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر این موضوع است که به گونه تجربی به مدیران، سرمایه گذاران و سایر تصمیم گیرندگان نشان دهد که آیا متفاوت بودن ساختار مالکیت شرکت های بورسی بر حق الزحمه حسابرسی و نوع اظهارنظر تأثیر دارد، یعنی اگر مالکان شرکت را گروه های مختلف مانند مالکان نهادی و مالکیت مدیریتی تشکیل دهند، حق الزحمه و نوع اظهارنظر به چه شکل خواهد بود. افزون بر این، وجود کدام یک از ترکیب های متفاوت مالکیت بر عوامل مزبور موثرتر است.

1. Chiraz
2. Jensen & Mick Lang
3. Rahman khan

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۳- پیشینه پژوهش:

چیراز و همکاران (۲۰۱۳) با پژوهشی در مورد حق الزحمه حسابرسی و ساختار مالکیت سهامداران در بین شرکت های فرانسوی نشان دادند که بین سهامداران دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معنادار و بین سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر در کشور بنگلادش تاثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی بررسی و نتایج آنان نشان داد که بین مالکیت سهام توسط مدیران اجرایی، سرمایه گذاران نهادی و سهامداران عمومی با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد (رحمان خان و همکاران، ۲۰۱۱). بن علی[1] (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین نوع سهامداران کنترل کننده و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. آنان سهامداران کنترل کننده را به سه دسته سهامداران نهادی، سهامداران دولتی و سهامداران خانوادگی تقسیم کردند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که رابطه معناداری بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد، اما بین مالکیت نهادی و دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی دیده می شود.

در مطالعه ی دیگر مایترا[2] و همکاران (۲۰۰۷)، رابطه بین مشخصات مالکیت و حق الزحمه حسابرسی را بررسی و بیان کردند که کنترل مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد و مالکان بزرگ و مالکیت مدیریت عوامل مهمی در جهت حق الزحمه حسابرسی می باشند. وقتی منافع مالکیت از شرکت خود بالا باشد مدیران ممکن است تقاضای بیش تری برای کیفیت حسابرسی جهت واکنش به رفتارهای هنجاری بازار داشته باشند، هم چنین بیان می کنند که رابطه مثبت معنادار بین مالکیت سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. علاوه بر این رابطه مالکیت سهام توسط مدیران موظف و حق الزحمه حسابرسی منفی می باشد. سهامداران عمده که فعالانه درگیر عملیات شرکت و تصمیم گیری های شرکت و بر فعالیت های شرکت و کنترل های داخلی نظارت داشته، باعث کاهش حجم رسیدگیهای حسابرسی و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی می شوند. از طرف دیگر ممکن است از این تاثیر برای افزایش فعالیت حسابرسان به منظور جبران کمبود کنترل های وی بر دیگر تصمیمات داخلی استفاده کنند. یافته عمده تحقیق ژنوزیک[3] و همکاران (۲۰۰۴)، بیانگر این بود که هر چه درصد مالکیت مدیران غیر موظف هیات مدیره و کمیته حسابرسی پایین تر باشد، احتمال وقوع تحریف در گزارشات

1. Ben Ali
2. Mitra
3. Szewczyk

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

تهیه شده توسط شرکت و به تبع آن ارائه اظهارنظری غیر مقبول برای صورت های مالی منتشره افزایش می یابد.

کراسول[1] و دیگران (۲۰۰۲) نشان دادند بین اندازه ی واحد مورد رسیدگی و اظهارنظر مشروط حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد. پاسیروس[2] و دیگران(۲۰۰۶) بیان کردند که مطالعات تجربی انجام شده در انگلستان نشان می دهد که احتمال دریافت اظهار نظر مشروط در شرکت های با نقدینگی کم در مقایسه با شرکت های با نقدینگی زیاد بیش تر است. گاجانیس[3] و دیگران (۲۰۰۵)، معتقدند شرکت هایی که در باز پرداخت به موقع بدهی های خود ناتوان هستند و میزان بدهی آن ها زیاد است، به احتمال زیاد اظهارنظر مشروط حسابرسی دریافت می کنند؛ زیرا حسابرسان درباره تداوم فعالیت آن ها مطمئن نمی باشند. اسپاتیس[4] (۲۰۰۳) در بررسی تعدیل گزارش حسابرسی برای شرکت های کوچک نشان داده که احتمال این که یک شرکت گزارش حسابرسی تعدیل شده دریافت کند،زمانی افزایش می یابد که موسسه حسابرسی بزرگتری حسابرسی شرکت را برعهده داشته باشد.

در پژوهش های داخلی کشور تاکنون به طور مستقیم پژوهشی پیرامون تأثیر ساختار مالکیت بر نوع اظهارنظر حسابرسان مستقل و حق الزحمه حسابرسی انجام نشده است. علی رغم این، پژوهش هایی با ارتباط غیر مستقیم با عنوان این پژوهش به شرح زیر ارائه می گردد.

خدادای و همکاران (۱۳۹۲)، با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و حق الزحمه حسابرسی دریافتند که بین مالکیت دولتی و مالکیت خانوادگی با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت ها را بررسی کرده اند، نتایج آنان نشان داد که نوع حسابرس و درصد مالکیت نهادی دولتی و شبه دولتی با حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که هرچه درصد سهام در اختیار نهاد دولتی و شبه دولتی بیش تر باشد، حق الزحمه حسابرسی بیش تر می شود. رجبی محمدی و خشوئی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی پرداختند. آن ها شش متغیر نسبت کل بدهیها به مجموع دارایی ها، نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل، درصد سهام اولین سهامدار

1. Craswell
2. pasiouras
3. Gaganis
4. Spathis

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

عمده، درصد سهام نهادهای دولتی و شبه دولتی، تعدادکارکنان و اصلی و فرعی بودن واحد مورد رسیدگی حسابرس را به عنوان شاخص های هزینه های نمایندگی به کارگرفتند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین برخی عوامل مرتبط با هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) در پژوهشی آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت های مالی را بررسی و یافته های آنان نشان داد که متغیرهای حجم عملیات (اندازه شرکت)، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع موسسه حسابرسی و تورم ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند، ولی متغیرهای ریسک حسابرسی، تحصیلات و تجربه مسئول تهیه کننده صورت های مالی با حق الزحمه حسابرسی فاقد ارتباط معناداری بودند. حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) تاثیر کیفیت ساز و کارهای حاکمیت شرکتی صاحبکار بر اظهارنظر حسابرسان مستقل را بررسی و نتایج آنان نشان داد شرکت های با رتبه حاکمیتی متوسط و ضعیف و ارائه اظهارنظر مشروط توسط حسابرسان مستقل، رابطه معناداری وجود دارد. اما چنین رابطه ای در مورد صاحبکارانی با سطح حاکمیتی قوی و ارائه اظهارنظر مقبول برای آن ها، مشاهده نشد. در پژوهشی سجادی و همکاران (۱۳۸۶) نشان دادند که نسبت بدهی به دارایی و اندازه شرکت بر صدور گزارش مشروط حسابرسی تاثیر نداشته، اما بین نسبت جاری، نسبت حسابهای دریافتنی به دارایی و نوع موسسه حسابرسی با گزارش مشروط حسابرسی سال جاری رابطه معناداری وجود دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش دارای فرضیه های زیر است:

فرضیه اول: بین مالکیت سرمایه گذاران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مالکیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مالکیت سرمایه گذاران نهادی و اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیریت و اظهارنظرمشروط حسابرسان مستقل شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۵- روش شناسی پژوهش

به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در فرآیند تصمیم گیری مورد استفاده قرار گیرد؛ این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین این پژوهش از لحاظ ماهیت توصیفی، همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش ها پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر می باشد.

۵-۱- جامعه آماری و انتخاب نمونه

جامعهٔ آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۸۵می باشد. در این پژوهش به منظور نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند (حذف سیستماتیک) استفاده شده است؛ بدین منظور کلیهٔ شرکت های جامعهٔ آماری که دارای شرایط زیر بوده اند انتخاب و بقیه حذف شده اند:

۱- نام شرکت تا پایان سال ۱۳۸۵ در فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس درج شده باشد.

۲- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۳- در دورهٔ مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشد.

۴- نماد معاملاتی شرکت به تابلوی غیر رسمی بورس منتقل نشده باشد.

۵- جزء شرکت های سرمایه گذاری، بیمه، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشد.

۶-اطلاعات مالی مورد نظر، طی دورهٔ مورد مطالعه در دسترس باشد.

با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۶۹ شرکت (۴۱۴شرکت-سال) به عنوان نمونهٔ آماری این پژوهش انتخاب شد.

۵-۲- روش گردآوری داده ها

به منظور گرد آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری پژوهش از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است و با مطالعهٔ کتب، نشریات و سایت های اینترنتی این اطلاعات استخراج شده است. جهت جمع آوری داده های مربوط به متغیرهای پژوهش از منابع موجود و معتبر استفاده

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

شده است. در این پژوهش داده های اولیه با استفاده از متن صورت های مالی، یادداشت های همراه آنها، اطلاعات موجود در نرم افزار اطلاعاتی ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار استخراج شده است. پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، از نرم افزار صفحه گستردهٔ اکسل جهت طبقه بندی و محاسبهٔ متغیرها استفاده گردید و در نهایت اطلاعات حاصل بااستفاده از نرم افزار اقتصاد سنجی Eviews6 و stata11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵-۳- روش بررسی فرضیه ها

در این بخش، مدل ها و متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش شرح داده می شود:
ابتدا در این پژوهش از مدل زیر جهت بررسی تاثیر درصد مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی و درصد مالکیت سهام توسط مدیریت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردیده است:

مدل شماره (۱)

$$LAF_{i.t}=\beta_0 + +\beta_1\, INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4 ARIN_{i.t} + \beta_5 MNC_{i.t} + \beta_6 BIGN_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر وابسته:

در این پژوهش لگاریتم حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت عضو نمونه (LAF) به عنوان متغیر وابسته می باشد.

متغیرهای مستقل:

INST: درصد مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی؛ مطابق با تعریف بوش (۲۰۰۰) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی هستند.
MGROWN: این متغیر از تقسیم سهام نگهداری شده هیئت مدیره، بر کل سهام شرکت در هر دوره بدست می آید (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

متغیرهای کنترل:

SIZE: اندازه شرکت؛ به صورت لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت های عضو نمونه بررسی می گردد.

ARIN: نسبت حسابهای دریافتنی و سرمایه گذاری های کوتاه مدت به کل دارایی ها

MNC: اگر شرکت عضو نمونه اصلی بود برابر است با یک و اگر فرعی برابر با صفر می باشد.

BIGN: اگر حسابرس شرکت عضو نمونه سازمان حسابرسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می شود.

هم چنین جهت بررسی تاثیر پرداخت حق الزحمه غیر حسابرسی (حق المشاوره) بر حق الزحمه حسابرسی از مدل زیر استفاده شده است:

مدل شماره (۲)

$$LAF_{i.t=}\beta_0 + +\beta_1 INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4 ARIN_{i.t} + \beta_5 MNC_{i.t} + \beta_6 BIGN_{i.t} + \beta_7 NAFD_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

NAFD: اگر شرکت حق الزحمه غیر حسابرسی (حق المشاوره) پرداخت می کند عدد یک و درغیر این صورت عدد صفر لحاظ می شود.

و از مدل زیر جهت بررسی تاثیر مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی و مالکیت مدیریت بر اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکتها استفاده گردیده است:

مدل شماره (۳)

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4 \left(\frac{C}{R}\right)_{i.t} + \beta_5 \left(\frac{D}{A}\right)_{i.t} + \beta_6 \left(\frac{R}{A}\right)_{i.t} + \beta_7 BIGN_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر وابسته (P):

اگر شرکت مورد نظر در سال جاری گزارش حسابرسی مشروط دریافت کرده باشد P برابر است با یک و اگر شرکت مورد نظر در سال جاری گزارش حسابرسی مقبول دریافت کرده باشد برابراست با صفر.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

همانطور که می دانیم، اظهارنظر ارائه شده توسط حسابرسان مستقل برای صورت های مالی یک شرکت، شامل یکی از ۴ مورد اظهارنظر مقبول، مشروط، مردود و عدم اظهارنظر می باشد. بررسی های انجام شده بر روی گزارشات صادره توسط حسابرسان مستقل برای ۶۹ شرکت عضو نمونه طی ۶ سال نشان داد که حسابرسان این شرکت ها تنها از دو نوع گزارش مقبول و مشروط برای بیان مطلوبیت صورتهای مالی این شرکت ها بهره جسته اند. لذا در فرضیه های این پژوهش، دوگونه دیگر گزارش حسابرسی یعنی اظهارنظر مردود و عدم اظهارنظر، حذف شده اند.

متغیرهای مستقل:

INST: درصد مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی

MGROWN: درصد مالکیت سهام توسط مدیریت

متغیرهای کنترل:

C/R: نسبت جاری؛ از تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری اندازه گیری می شود.

D/A: نسبت بدهی به دارایی؛ از حاصل تقسیم جمع کل بدهی ها بر جمع کل دارایی ها اندازه گیری می شود.

R/A: نسبت حسابهای دریافتنی به کل دارایی ها؛ برابر است با حسابهای دریافتنی تقسیم بر کل دارایی ها.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول شماره دو نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر مقدار حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر انحراف معیار است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
LAF	۲/۵۹	۲/۵٤	٤/۰۹	۱/۳۸	۰/۳۳
INST	۰/۷۷	۰/۸۱	۱	۰	۰/۱۸
MGROWN	۰/٦۸	۰/۷٤	۱	۰	۰/۲۲
SIZE	۵/٦۷	۵/٦۰	۷/۸۱	٤/۲٦	۰/٦۱
ARIN	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/٦۲	۰	۰/۱۵
MNC	۰/۸۲	۱	۱	۰	۰/۳۸
BIGN	۰/۲	۰	۱	۰	۰/٤
NAFD	۰/۵۱	۱	۱	۰	۰/۵۱
C/R	۱/۳	۱/۲۲	۵/۰٤	۰/۲۲	۰/٦
R/A	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/٦۲	۰	۰/۱۵
D/A	۰/٦۳	۰/٦۳	۳/۰٦	۰/۱۳	۰/۲٤

مأخذ: یافته های پژوهش

نوع داده ها و آزمون فروض کلاسیک

در این پژوهش به منظورآزمون فرضیه ها از روش داده های ترکیبی استفاده شده است. در داده های ترکیبی به منظور انتخاب بین داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. همچنین به منظور انتخاب بین الگوی اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج این ۲ آزمون در جدول شمارهٔ (۲) نشان داده شده است. برای برآورد پارامترهای مدل های رگرسیون، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

از جمله مهمترین این فروض ، فرض های مربوط به بررسی عدم وجود خود همبستگی، عدم وجود هم خطی و عدم وجود ناهمسانی واریانس بین باقیمانده های مدل می باشد. به منظور تشخیص وجود خود همبستگی بین باقیمانده ها، از آزمون دوربین واتسون (DW) استفاده شد. مقدار این آماره برای مدل های پژوهش، حاکی از نبود خود همبستگی بین باقیمانده ها است. در خصوص بررسی هم خطی نیز قابل ذکر است که با اینکه استفاده از داده های ترکیبی،خود یکی از روش های جلوگیری از بروز هم خطی است، اما برای بررسی وجود احتمالی هم خطی از روش بررسی نسبت های R^2 و t (R^2 بالا اما آماره های t بی معنی باشند) استفاده شده است. هم چنین آزمون تورم واریانس (VIF) جهت بررسی هم خطی استفاده گردید. نتایج این بررسی ها نشان داد که بین متغیرهای مدل های مورد آزمون، هم خطی وجود ندارد. به منظور بررسی وجود ناهمسانی واریانس بین باقیمانده ها، از آزمون والد استفاده شد. بر این اساس جهت رفع ناهمسانی واریانس در مدل هایی که دارای ناهمسانی می باشند از روش رگرسیونیGLS استفاده شد.

جدول (۲): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن مدل های پژوهش

مدل	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	احتمال	نتیجه آزمون	آماره	احتمال	نتیجه آزمون
مدل ۱	۱٤/۹۱	۰/۰۰۰۰	**تابلویی**	۳۱/۰٤	۰/۰۰۰۰	**اثرات ثابت**
مدل ۲	۱٤/۸۹	۰/۰۰۰۰	**تابلویی**	۳۱/۱۲	۰/۰۰۰۰	**اثرات ثابت**

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول (۳): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

الگو	آزمون LR		
	آماره	P-Value	نتیجه
مدل اول	**۳۳۹/۵۸**	**۰/۰۰۰۰**	**ناهمسانی واریانس**
مدل دوم	**۳٤۲/۰۸**	**۰/۰۰۰۰**	**ناهمسانی واریانس**

مأخذ: یافته های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۶-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول ودوم:

مطابق فرضیه اول انتظار داریم که بین "مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی بر حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود داشته باشد". جدول شماره (۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول و دوم را با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و داده های ترکیبی نشان می دهد. همانگونه که نتایج نشان می دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت سرمایه گذاران نهادی کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که بین مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطهٔ معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ مثبت است، این موضوع بدین معنی است که بین مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطهٔ مستقیم وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۴) و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیهٔ نخست این پژوهش تایید خواهد شد. هم چنین فرضیه دوم پژوهش به این صورت است که مالکیت سهام توسط مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد. همانگونه که نتایج نشان می دهد p-value محاسبه شده برای متغیر مالکیت مدیریتی بیش تر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که بین مالکیت سهام توسط مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۴) و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیهٔ دوم پژوهش تایید نخواهد شد. هم چنین اندازه شرکت و اصلی بودن شرکت، رابطهٔ مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی شرکت دارد. و بین نسبت حسابهای دریافتنی و سرمایه گذاری کوتاه مدت، و حسابرسی توسط سازمان با حق الزحمه حسابرسی شرکت رابطهٔ معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آمارهٔ F کمتر از۰/۰۱ می باشد، می توان گفت که در سطح اطمینان ۰/۹۹ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول شماره (٤): نتایج آزمون فرضیه اول ودوم

$$LAF_{i.t=}\beta_0 + +\beta_1 INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4 ARIN_{i.t} + \beta_5 MNC_{i.t} + \beta_6 BIGN_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر		ضرایب	خطای استاندارد	آمارهt	سطح معناداری
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۹٦	۰/۱۷	-٥/٦۱	۰/۰۰۰۰
درصد سرمایه گذاران نهادی	INST	۰/۲۱	۰/۰٥	٤/۹۳	۰/۰۰۰۰
مالکیت مدیریت	MGROWN	۰/۰٥	۰/۰۷	۰/٦٥	۰/٥۱۰٥
اندازه شرکت	SIZE	۰/٥۷	۰/۰۳	۲۱/۲۷	۰/۰۰۰۰
نسبت حساب های دریافتنی وسرمایه گذاری کوتاه مدت به کل دارایی	ARIN	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱	۰/۹۱۹۸
اگر شرکت اصلی است	MNC	۰/۱٤	۰/۰۷	۲/۰٤	۰/۰٤۳۱
حسابرسی توسط سازمان	BIGN	-۰/۰۰۳	۰/۰۲	-۰/۱۲	۰/۹۰٦۳
آماره F (احتمال)	٤۷/۸٦ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۷٥۹	
آماره دوربین واتسون	۱/٦۳	تعداد مشاهدات		٤۱٤	

مأخذ: یافته های پژوهش

هم چنین نتایج حاصل از آزمون تاثیر پرداخت حق الزحمه غیر حسابرسی (حق المشاوره) بر حق الزحمه حسابرسی در جدول شماره (٥) بررسی گردیده است، با توجه به نتایج جدول زیر متغیرهای اصلی درصد مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی در سطح خطای ۰/۰٥ نیز همانند مدل اول معنادار می باشد، و مالکیت مدیریتی فاقد ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی شرکت می باشند. ولی پرداخت هزینه غیر حسابرسی (حق المشاوره) فاقد ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی می باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول (۵): نتایج آزمون مدل دوم

$$LAF_{i.t}=\beta_0 + +\beta_1 INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4 ARIN_{i.t} + \beta_5 MNC_{i.t} + \beta_6 BIGN_{i.t} + \beta_7 NAFD_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر		ضرایب	خطای استاندارد	آمارهt	سطح معناداری
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۹٤	۰/۱٦	-۵/۹۲	۰/۰۰۰۰
درصد سرمایه گذاران نهادی	INST	۰/۲۲	۰/۰٤	٦/۲۱	۰/۰۰۰۰
مالکیت مدیریت	MGROWN	۰/۰٤	۰/۰۷	۰/٦۱	۰/۵٤٤۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۷	۰/۰۳	۱۹/٦۲	۰/۰۰۰۰
نسبت حسابهای دریافتنی وسرمایه گذاری کوتاه مدت به کل دارایی	ARIN	۰/۰۱	۰/۰٤	۰/۰۵	۰/۹۵۵۳
اگر شرکت اصلی است	MNC	۰/۱۵	۰/۷۲	۲/۰۱	۰/۰٤٤۷
حسابرسی توسط سازمان	BIGN	-۰/۰۰۳	۰/۰۲	-۰/۱۵	۰/۸۷۷۰
پرداخت حق الزحمه غیر حسابرسی	NAFD	۰/۰۵	۰/۰۵	۱/۰٤	۰/۳۰۰۷
آماره F (احتمال)	(۰/۰۰۰) ٤۷/۸۸	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۷۷٦۸	
آماره دوربین واتسون	۱/٦۲	تعداد مشاهدات		٤۱٤	

مأخذ: یافته های پژوهش

۶-۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم و چهارم:

فرضیه سوم این پژوهش به این صورت است که "مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی بر صدور اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکتها تأثیر دارد". جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم و چهارم را با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و داده های ترکیبی نشان می دهد. همانگونه که نتایج نشان می دهد p-value محاسبه شده برای متغیر مالکیت سرمایه گذاران نهادی کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، از این رو می توان نتیجه گرفت که بین مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی و اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکتها رابطۀ معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ منفی است، این موضوع بدین معنی است که بین مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی و صدور اظهارنظر مشروط حسابرسی رابطۀ معکوس وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۶) و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیۀ سوم این پژوهش تایید خواهد شد. هم چنین فرضیه چهارم پژوهش به این صورت است که مالکیت سهام توسط مدیریت بر اظهارنظر مشروط حسابرسان تاثیر دارد. همانگونه که نتایج نشان می دهد p-valueمحاسبه شده برای متغیر

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

مالکیت سرمایه گذاران عمومی بیش تر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که بین مالکیت سهام توسط مدیریت و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکتها رابطهٔ معناداری مشاهده نگردید. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۶) و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیهٔ چهارم پژوهش تایید نخواهد شد. هم چنین نسبت بدهی، و اندازه شرکت رابطهٔ مثبت و معناداری با صدور اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکت دارد. و بین نسبت حسابهای دریافتنی به جمع دارایی ها، نسبت جاری و حسابرسی توسط سازمان حسابرسی با اظهارنظر مشروط حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نگردید. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آمارهٔ LR کمتر از۰/۰۱ می باشد، می توان گفت که در سطح اطمینان ۰/۹۹ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول شماره (٦): نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INST_{i.t} + \beta_2 MGROWN_{i.t} + \beta_3 SIZE_{i.t} + \beta_4(\frac{C}{R})_{i.t} + \beta_5(\frac{D}{A})_{i.t} + \beta_6(\frac{R}{A})_{i.t} + \beta_7 BIGN_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر		ضرایب	خطای استاندارد	آمارهZ	سطح معناداری
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	β_0	-۲/۵۱	۱/٤۹	-۱/٦۷	۰/۰۹٤۹
درصد سرمایه گذاران نهادی	INST	-۳/٤۲	۰/۹۹	-۳/٤٤	۰/۰۰۰٦
مالکیت مدیریت	MGROWN	-۰/۵۲	۰/٦۷	-۰/۷۷	۰/٤۳۹۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۷۵	۰/۱۹	۳/۸٤	۰/۰۰۰۱
نسبت جاری	C/R	۰/٤۳	۰/۲٦	۱/٦۷	۰/۰۹۳۹
نسبت حسابهای دریافتنی به جمع دارایی ها	R/A	-۰/۸۹	۰/۷٦	-۱/۱۷	۰/۲٤۲۵
نسبت بدهی	D/A	۱/۸۷	۰/۸۸	۲/۱۱	۰/۰۳۵۱
حسابرسی توسط سازمان	BIGN	-۰/۱۳	۰/۲٦	-۰/۵۲	۰/۵۹۹۱
آماره LR (احتمال)		٦۱/۳۰۷۵ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۰۸۲

مأخذ: یافته های پژوهش

۷- نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش تاثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی و صدور اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت ها بررسی گردیده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان داد که بین درصد مالکیت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی شرکت ها رابطه مثبت

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

معناداری وجود دارد، و این بدین معنی است که با افزایش مالکیت سرمایه گذاران نهادی، حق الزحمه حسابرسی افزایش می یابد، که این یافته با نتایج رحمان خان و همکاران(۲۰۱۱) و هیو وهمکاران (۲۰۰۸) تضاد داشته و با نتایج چیراز و همکاران (۲۰۱۳) و میترا و همکاران (۲۰۰۷) مطابقت دارد. فرضیه دوم بدین شکل است که درصد مالکیت سهام توسط مدیریت با حق الزحمه حسابرسی فاقد رابطه معناداری بوده که با نتایج خدادادی و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت داشته و با نتایج رحمان خان و همکاران (۲۰۱۱) در تضاد است. هم چنین شرکت های با اندازه بزرگتر با توجه به حجم عملیات بیش تر، حق الزحمه حسابرسی بیش تری پرداخت خواهند کرد و شرکت های اصلی نسبت به شرکت های زیر مجموعه و فرعی نیز حق الزحمه بیش تری پرداخت می کنند. و بین شرکت هایی که هزینه غیر حسابرسی پرداخت می کنند با حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری مشاهده نگردید.

فرضیه سوم این پژوهش مبنی بر تاثیر درصد مالکیت سهام توسط سهامداران نهادی بر اظهارنظر مشروط حسابرسی دارای رابطه منفی معناداری می باشد. هم چنین فرضیه چهارم مبنی بر تاثیر مالکیت مدیریتی بر صدور اظهارنظر مشروط حسابرسان مستقل شرکتها دارای فاقد رابطه معناداری می باشد.

پالمرز[1](۱۹۸۶) در پژوهش خود نشان داد هرچه اندازه‌ی شرکت بزرگ تر می‌شود، تعداد قراردادهای نظارتی و حاکمیت شرکتی نیز افزایش پیدا می‌کند. هم چنین با افزایش نسبت جاری، احتمال صدور اظهارنظر مشروط نیز کاهش می یابد که با اعتقاد بل و تیبور[2] (۱۹۹۱) نسبت جاری می تواند به عنوان شاخصی برای نشان دادن کمبود سرمایه در گردش در نظر گرفته شود و فرض بر این است که هر چه نسبت جاری بزرگ‌تر شود، شرکت برای باز پرداخت بدهی‌های کوتاه مدت خود، دارایی کافی در اختیار دارد. و بین نسبت بدهی شرکت با اظهار مشروط حسابرسان رابطه مثبت معناداری مشاهده گردید که با نتایج بل و تیبور(۱۹۹۱) مطابقت دارد. و بین نسبت حسابهای دریافتنی به جمع دارایی ها با احتمال صدور اظهار نظر مشروط حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نگردید .

پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی تاثیر ابزارهای نظارتی راهبری شرکتی برصدور اظهارنظر مشروط حسابرسی سنجیده و تاثیر شاخصه های دیگر حاکمیت شرکتی از قبیل اندازه هیات مدیره، سن هیات مدیره، مدت تصدی در هیات مدیره، تعداد جلسات هیات مدیره، درصد مالکیت مدیران موظف هیات مدیره با حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت ها بررسی گردد.

---

1. Palmrose
2. bell & Tabor

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

منابع

۱. حساس یگانه، یحیی؛ و داداشی، ایمان. (۱۳۸۹)؛ بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهارنظر حسابرسان مستقل. **مجله حسابداری مدیریت**، ۳ (۵)، ۶۵-۷۳.

۲. خدادادی، ولی؛ قربانی، رامین. خوانساری، نیکو. (۱۳۹۲)؛ بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی. **فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی**. ۱ (۲۱)، ۵۷-۷۲.

۳. رجبی، روح الله؛ محمدی خشوئی، حمزه. (۱۳۸۷)؛ هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل. **فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی**، ۵ (۳۵)، ۳۵-۵۲.

۴. سجادی، سید حسین؛ فرازمند، حسن. دستگیر، محسن. دهقان فر، دلشاد. (۱۳۸۶)؛ عوامل موثر بر گزارش مشروط حسابرسی. **مطالعات تجربی حسابداری مالی**، ۱۸ (۲). ۱۲۳-۱۴۶.

۵. علوی طبری، سیدحسین؛ رجبی، روح الله. شهبازی، منصوره. (۱۳۹۰)؛ رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها. **مجله دانش حسابداری**، ۲ (۵)، ۷۵-۱۰۱.

۶. مجتهدزاده، ویدا؛ (۱۳۹۰)؛ رابطه نظریه نمایندگی و مالکیت مدیریت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه تحقیقات حسابداری**، ۳ (۱۰)، ۴-۲۱.

۷. نیک بخت، محمدرضا. تنانی، محسن. (۱۳۹۰)؛ آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت های مالی، **مجله پژوهش های حسابداری مالی**، ۲ (۲)، ۱۱۱-۱۳۲.

8. Bell, T. & Tabor, R. (1991). Empirical analysis of audit uncertainty qualifications.**Journal of Accounting Research,** (29), 350–370.
9. Ben Ali, C. (2011). Ownership concentration and audit fees. Do auditors matter most when investors are protected least? **Available at URL: www .hec.fr**.
10. Bushee, B. J. (2000). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. **Accounting Review**, (73), 305-334.
11. Chiraz, Ben ali. Cedric, Lesage. (2013), Auditing pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, **china journal of accounting Research**, (6), 21-34.
12. Craswell, j. stocks and Laughton. (2002). Auditor independence and fee dependence .**journal of Accounting and Economics**, (33), 253-275.
13. Gaganis, Ch. Pasiouras, F. Tzanetoulakos, A. (2005). A comparison and integration of classification techniques for the prediction of small UK firms failure. **The Journal of Financial Decision Making**, (1), 55–69.
14. Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers**. American Economic Review**, (76), 323-329.
15. Leventis, s. dimitropoulos, p.e. (2010). Audit Pricing, Quality of Earnings and Board Independence, the Case of the Athens StockExchange. **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, (26), 325–332.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

16. Mitra, S. Hossain, M. & Deis, D. (2007). The Empirical Relationship Between Ownership Characteristics and Audit Fees. **Review Of Quantitative Finance And Accounting**, (28), 257-285.
17. Palmrose, Z. V. (1986). Audit fees and auditor size: Further evidence.**Journal of Accounting Research**, (24), 97–110.
18. Pasiouras, f. Gaganis, Ch., Zopounidis, C. (2006). Multicriteria decision support methodologies for auditing decisions: The case of qualified audit reports in the UK. **European Journal of Operational Research.**
19. Rahman Khan, A., MahboobHossain, D.,&Siddiqui, j. (2011). Corporate Ownership Concentration and Audit Fees: The Case of an Emerging Economy. **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Account**, (27), 125-131.
20. Shin, h. (2004). Board composition and earnings management inCanada. **Journal of corporate governance**, (10), 431-457.
21. Szewczyk, S. H. and Varma, R. (2004) Board composition and corporate fraud. **Financial Analysis Journal**, (60), 33-43.
22. Spathis, T. (2003). Audit Qualification, Firm Litigation, and Financial Information: an Empirical Analysis in **Greece. International Journal of Auditing**, (7), 71-85.
23. Walker, M. (2003). Principal/agency theory when some agents are trustworthy', **Accounting and Finance Working Paper**, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]